

# طرح قانون اصول محاکمات جزائی

ماده ۳۹۷ - در موقع طرح ایراد راجع بحواشی دعوی فقط یک نفر از مدافعین متهم با مختصر و در مدت معینی از طرف دادگاه سخن میگوید.

نطق دوباره در دنباله پاسخ پذیرفته نیست - رئیس دادگاه در هر حال از ذکر مطالبی که مستقیماً و منحصرأ مربوط بموضوع بحث نیست جلوگیری میکند.

ماده ۴۰۰ - رئیس دادگاه اگر متهم حاضر است از او و اگر حاضر نیست از نماینده مخصوص او در جاهائی که نماینده پذیرفته است باز پرسى میکند.

مقدم بر همه چیز از متهم مشخصات او پرسش میشود. سپس بمبارتی واضح و صریح عملی که باو نسبت داده شده و کیفیات آن برای او ذکر میشود و باو تکلیف میشود آنچه برای دفاع خود مفید میدانند بیان کنند - اگر متهم از پاسخ امتناع کرد در صورت مجلس قید و دادرسی تعقیب میشود.

ماده ۴۰۱ - اگر متهم متعدد باشد رئیس دادگاه در هر حالی از دادرسی میتواند يك یا چند نفر از آنها را جداگانه باز پرسى کنند و در اینموقع سایر متهمین را از اطاق دادگاه بیرون میفرستند.

ماده ۳۹۸ - مسائل مربوط بر عایت مقررات مذکور در ماده ۱۵۵ و مسائل مربوط با اتخاذ سمت مدعی خصوصی و جلب یا ورود کسی که حقوقاً مسئول است باید بقید سقوط حق بمحض آنکه تشریفات مقدماتی شروع بداد رسی بر طبق ماده ۳۸۵ انجام یافت رسیدگی و تصفیه شود.

مسائل مربوط بصلاحت محلی و دادرسی یکجا یا تفکیک آن بر طبق مواد ۳۷۰ و ۳۷۱ و مسائل راجع بقابل قبول بودن گواه و کارشناس و مترجم و رایزن فنی یا راجع بتخلف این اشخاص از حضور یا راجع بتقدیم اسناد یا مطالبه آن یا راجع بموضوع مندرج در ماده ۳۷۷ باید بقید سقوط حق بمحض تکمیل تشریفات مقدماتی شروع بداد رسی مطرح و رسیدگی شود مگر آنکه امکان طرح آن مسائل فقط در جریان اصل دادرسی پیش آمده باشد.

ماده ۴۰۲ - در دادرسی متهم حق دارد که هر چه مقتضی میدانند اظهار کنند بشرط آنکه مربوط بدفاع باشد.

رئیس دادگاه مراقبت می کند که متهم از موضوع خارج

مسائل مذکور در قسمت اول و دوم این ماده با هم طرح میشوند و با این حال رئیس دادگاه میتواند در صورتیکه تأخیر

بالا تر تعقیب میکند و اگر از صلاحیت دادگاه اختصاصی باشد فقط بزه تازه را بمقام صلاحیت دار اعلام می نماید .

در موارد فوق چنانچه جای صدور قرار توقیف الزامی یا اختیاری باشد رئیس دادگاه بتقاضای دادسرا امر بتوقیف میدهد .

ماده ۴۰۵ - هرگاه موضوع اعلام مذکور در ماده پیش اجتماع بزه ها یا بزه ممتد یا کیفیت مشددی غیر از تکرار بزه باشد رئیس دادگاه بمتهم تذکر میدهد که میتواند مهلتی که حد اکثرش پنج روز است برای تهیه دفاع خود تقاضا نماید - این مهلت قابل تمدید نیست .

رئیس دادگاه در صورتیکه متهم مهلت فوق را تقاضا کرده باشد بر طبق ماده ۳۸۶ تجدید جلسه میکند و در این صورت دادسرا و اطراف خصوصی حق دارند که ادله جدید تقدیم دارند .

اگر متهم تقاضای مهلت نکند یا کیفیت مشدد عبارت از تکرار بزه باشد اجتماع بزه ها یا بزه ممتد یا کیفیت مشدد بدون هیچ شرط و قید جزء اتهام محسوب و دادرسی میشود .

ماده ۴۰۶ - پس از بازپرسی از متهم رئیس دادگاه از کسیکه حقوقاً مسئول است بازجوئی کرده سپس اظهارات مدعی خصوصی را چنانچه گواه نباشد استماع میکند .

ماده ۴۰۷ - پس از اجرای مقررات ماده پیش رئیس دادگاه با استماع گواه بر تریبی که مناسب میدانند مبردازد متضرر از بزه ولو آنکه سمت مدعی خصوصی هم اتخاذ کرده باشد مقدم بر دیگران گواهی میدهد .

گواهان باید یکی بعد از دیگری استماع شوند .  
استماع گواهی بقدر امکان باید بنحوی بعمل آید که هیچ گواهی بیش از اداء گواهی نتواند با هیچیک از اطراف خصوصی یا مدافعین یا رایزن فنی آنها صحبت کند یا در موقع اداء گواهی گواه دیگر در جلسه حاضر باشد یا آنچه در اطاق دادرسی میگذرد ببیند یا بشنود یا بطریق دیگر از آن مطلع شود .

پیش از استماع گواهی هر گواه رئیس دادگاه باید او را سوگند دهد - پس از آن از گواه مشخصات او را

نشود و اگر اصرار ورزد او را از جلسه بیرون میدهند .  
همچنین متهم حق دارد که با مدافع خود رایزنی کند مگر در اثنای بازپرسی یا در موقعیکه از او پرسش شده و هنوز پاسخ نداده باشد .

اعمال این حق هیچگاه مجوز تجدید جلسه نمیشود .  
مدافع و هر کس دیگر ممنوع است از اینکه در اثنای بازپرسی یا قبل از آنکه متهم پاسخ پرسشهاییکه از او شده داده باشد نظری بمتهم بدهد - هر تخلفی که نسبت باین حکم بشود باید در صورت مجلس قید شود و این امر مانع اعمال اختیارات انتظامی رئیس دادگاه برای اداره کردن دادرسی نخواهد بود .

ماده ۴۰۳ - هرگاه از بازجوئی مقدماتی بارسیدگی دادگاه معلوم شود که تعدد بزه یا ممتد بودن آن با یکی از کیفیات که بموجب حکم خاص قانونی باعث تشدید مجازات است در حکم جلب بدادرسی یا ادعا نامه ذکر نشده رئیس دادگاه بشرط آنکه رسیدگی از صلاحیت دادرسی بالاتر یا دادرسی اختصاصی نباشد بمتهم ابلاغ میکند که دادرسی شامل این امور نیز خواهد بود و در صورت لزوم بکسی که حقوقاً مسئول است نیز ابلاغ میکند و این معنی در صورت مجلس قید میشود .

هرگاه متهم غائب و مدافع او حاضر باشد این اعلام بمدافع میشود .

همین حکم جاری است در موردیکه معلوم شود بموجب محتویات پرونده متهم مظنون بارتکاب بزه یا بزه هائی است که در ادعا نامه یا حکم جلب بدادرسی قید نشده مگر در صورتیکه بعضی از آنها را دادستان در ادعا نامه یا قید از صدور حکم صریحاً استثناء کرده باشد .

حکم محکومیت در صورتی که با رعایت مقررات فوق صادر نشود باطل است .

ماده ۴۰۴ - در موردیکه حکم ماده ۴۰۳ بعلمت عدم صلاحیت دادگاه قابل اعمال نیست هرگاه رسیدگی بزه از صلاحیت دادگاه بالاتر باشد دادسرا کلیه بزه هارا در دادگاه

شده اند باید خلاصه عقیده خود را با ذکر ادله اظهار نمایند  
عبارت سوگند برای کارشناس یا مترجمی که باید  
در جلسه دادرسی سوگند یاد کند همانست که در ماده  
۲۸۵ تعیین شده بدون تعهد کتمان.

۴۱۱ - هرگاه گواه یا کارشناس یا مترجمی که دعوت  
شده حاضر نشود دادرسی میتواند امر دهد دادرسی تعقیب  
شود و اگر ضمن رسیدگی حضور آن شخص ضرورت پیدا  
کند تصمیم خود را تغییر میدهد و در صورت اقتضاء بطلب  
او امر میدهد.

ماده ۴۱۲ - اظهار گواه یا کارشناس که بعد از موجهی  
حاضر نشده ممکن است در محلی که هست استماع شود.

دادگاه میتواند یکی از کارمندان خود یا مدیر دفتر را  
برای استماع اظهارات آنها بفرستد یا بر حسب مورد از رئیس  
دادگاه استان یا رئیس دادگاه شهرستان حوزه توقف گواه یا  
کارشناس تقاضا کند که یکی از دادرسان یا مدیر دفتر را  
برای استماع اظهارات آنها بفرستد و نیز میتواند این امر را  
بدادرس بخش محل توقف آنها ارجاع کند.

این ترتیب در مواردی نیز که حضور گواه یا کار  
شناس در دادگاه بواسطه بعد مسافت مشکل باشد معمول  
خواهد بود.

برای استماع توأمی مأمورین دولتی که در خارج کشور اند  
طبق ماده ۳۲۲ عمل میشود.

ماده ۴۱۳ - دادرسی یا مدیر دفتر اظهارات مذکور در  
ماده پیش را با حضور یکی از خدمتگذاران دادگستری استماع  
مینماید حضور نماشاچی پذیرفته نیست.

نماینده دادرسی و مدافع متهم و وکیل و کسیکه حقوقاً  
مسئول است میتوانند حضور داشته باشند.

رئیس دادگاه میتواند استثنائاً اجازه دهد که اطراف  
خصوصی یا بعضی از آنها حتی شخصاً حاضر باشند.

بدادرسا و مدافعین باید روز و ساعت و محل استماع

اطلاع داده شود

پرسد و راجع بروابط خویشی یا منفعتی یا سایر اوضاع  
و احوال که برای تشخیص بی غرضی و راستگوئی او مفید  
است پرسش میکند.

ماده ۲۰۸ - همه گواهان حتی آنهائیکه اعلام بزه  
یا شکایت کرده اند یا مدعی خصوصی شده اند اگر قانون  
سریحاً آنها را معاف از سوگند ننموده باید سوگند یاد کنند.  
باعتبار مقرر در ماده ۱۰۰ رئیس دادگاه هر کدام از  
گواهان را که برای اداء گواهی حاضر میشوند جداگانه  
عبارت ذیل سوگند میدهد.

با توجه بمسئولیتی که در پیشگاه خدا و نزد مردم  
بوسیله سوگند بعهده میگیرید سوگند یاد کنید که راست  
بگوئید و جز راست چیزی نگوئید.

کسی که در زمان اداء گواهی هنوز بچهارده سال تمام  
نرسیده سوگند داده نمیشود و دادرسی با او تذکر میدهد که باید  
حقیقت واقع را بتمام بگوید و جز حقیقت واقم چیزی نگوید و  
اگر از مجازاتهای قانونی که برای صغار کمتر از چهارده  
سال تمام در صورت ارتکاب بزه مقرر است آگاه مینماید.

ماده ۴۰۹ - برای استماع گواهی مقرر در مواد  
هفتگانه از ماده ۳۱۴ تا ماده ۳۲۰ رعایت میشود.

دادرسی و دادستان و کارمندان دادرسی و مدیران  
دفاتر و منشیها را که بمناسبت شغل خود در دعوی جزائی  
انجام وظیفه کرده اند هر چند وابسته بدادگاه اختصاصی باشند  
نمیتوان بمناسبت انجام وظیفه بعنوان گواه در آن دعوی دعوت کرد.

ماده ۴۱۰ - اگر کارشناس در بازجوئی دخالت  
داشته رئیس دادگاه پس از استماع گواهان امر میدهد که  
گزارش نظریه او قرائت شود.

پس از آن اظهارات کارشناسان که بر طبق ماده ۳۷۳  
احضار شده اند بترتیب استماع میشود و آنها باید اظهارات  
خود را محدود پاسخ پرسشهای رئیس دادگاه نمایند.

کارشناس و رایزن فنی که بر طبق ماده ۳۷۴ دعوت

نظر کارشناس بتواند رأی بدهد دادرسی را توقیف نموده امر میدهد که اسناد و برگها نزد مقامیکه متصدی بازجوئی بوده فرستاده شود تا مطابق مقررات ماده ۲۸۳ و مابعد تا اندازه که قابل اعمال است اقدام کند - پس از آنکه عمل کارشناسی انجام یافت مقام مزبور اسناد و برگها را بدقت دادرسی که دستور رجوع بکارشناس داده عودت میدهد و بدادرسی اقدام می شود ماده ۴۱۶ - هرگاه دادگاه برای کشف حقیقت در صورت ضرورت میتواند تصمیم بگیرد که محل وقوع بزه را معاینه کند در این مورد مقررات قسمت اول ماده ۴۱۴ باید رعایت شود .

اگر در جریان دادرسی وجود ادله جدیدی محقق شود و رسیدگی بآن ادله بنظر دادگاه لازم باشد میتواند بموجب قراری امر بدهد که گواه جدید برای اداء گواهی احضار شود و اگر مورد مقتضی باشد برطبق مقررات ماده ۴۱۴ و ۴۱۵ گواهی او در محل استماع شود یا آنکه مدارک جدیدی مطالبه و رسیدگی شود .

ماده ۴۱۷ - هرگاه گواه یا کارشناس یا مترجم یکی از اعمال مذکوره در مواد ۳۷۲ و ۳۷۳ قانون مجازات عمومی را مرتکب شود رئیس دادگاه اگر مفید بداند تذکر جدیدی راجع بمسئولیت جزائی ناشی از این اعمال میدهد هرگاه این تذکر مؤثر واقع نتد صورت مجلس تنظیم کرده و اگر حکم قسمت دوم ماده ۳۹۰ را نتوان اعمال کرد بدادسرا میفرستد و در هر صورت امر بتوقیف بزهکار نیز میدهد و در همان صورت مجلس قید میکند - حکم قسمت اخیر ماده ۳۹۱ قابل اعمال است .

اگر بنظر دادرسی انتظار نتیجه دادرسی گواه یا کارشناس یا مترجم ضرورت ندارد بدادرسی مداومت میدهد و اگر انتظار نتیجه دادرسی آنها ضرورت قطعی داشته باشد بایکی از جهات مذکور در ماده ۳۹۱ نتوان بلافاصله رسیدگی را ادامه داد دادرسی را توقیف مینماید .

اگر گواه یا کارشناس یا مترجم از آنچه گفته برگردد و حقیقت را قبل از ختم دادرسی با توقیف آن اظهار نماید دادرسی بلافاصله حکم منع تعقیب او را صادر میکند . ناتمام

اگر دادرسی مأمور استماع احراز کرد که مانعی که گواه یا کارشناس عذر خود قرار داده وجود نداشته یا موجه نبوده باز هم اظهارات را استماع میکند ولیکن بفوریت بمقامی که مأموریت باو داده اطلاع میدهد و او میتواند بر طبق مقررات ماده ۴۱۲ اقدام کند و علاوه هزینه رفت و آمد دادرسی و مدیر دفتر و سایر کسانی را که حاضر شده اند بعهده گواه یا کارشناس مذکور بگذارد .

این تصمیمات از طرف دادگاهیکه دادرسی میبندد اتخاذ می شود .

در موارد مذکور در ماده ۳۶۶ قانون مجازات عمومی دادرسی که مأمور شده صورت مجلس تنظیم میکند و آنرا برای تعقیب بدادسرا میفرستد .

ماده ۴۱۴ - اگر در دادرسی کیفیات مهمی بنظر برسد که مورد نظر کارشناسی که در بازجوئی دعوت شده واقع نشده باشد یا آنکه راجع بمسائلی که آن کارشناس اظهار نظر نکرده توضیحاتی لازم شود دادگاه می تواند کارشناس را احضار کند .

اگر آثار و علائم قوی مشاهده شود که رسیدگی بحالت دماغی متهم را الزام کند یا آنکه دادرسی نتواند بدون کسب نظر کارشناس حکم بدهد و در هیچیک از این دو مورد آن موضوع مورد نظر و معاینه سابق واقع نشده باشد دادگاه میتواند کارشناس تعیین نماید .

در صورت اقتضاء مورد دادرسی میتواند بدون استماع نظریه کارشناس بر طبق ماده ۳۷ اقدام کند .

ماده ۴۱۵ - در موارد مذکور در قسمت اول ماده پیش جلسه را میتوان تجدید کرد ولیکن دادرسی را نمیتوان توقیف نمود و اطراف خصوصی میتوانند رأیزن فنی خودشان را حاضر کنند برای اعمال این حق نمیتوان جلسه را تجدید و یا دادرسی را توقیف نمود

در موارد مذکور در قسمت دوم ماده پیش کارشناس بلافاصله احضار میشود و باید نظریه خود را در همان جلسه اظهار دارد - اگر این کار ممکن نباشد و دادرسی هم بدون